



رابطه بین تداعی‌های تصویری از یک قطعه مقاوی ثابت بی‌هدف با درون‌گرایی-برون‌گرایی و میزان خلاقیت گروهی از هنرمندان تجسمی

افسانه ناظری* پریسا داروئی** کریم عسگری*** صالح غائی****

۲۵

چکیده

تداعی تصویری ذهنی از فرمی مبهم و بی‌شكل، ممکن است برای هر شخصی اتفاق افتد اما تبدیل آن به فرمی عینی به صورت رسامی در حیطه توانایی‌های یک هنرمند است. در این پژوهش رابطه بین تداعی‌های تصویری ترسیم شده از یک قطعه مقاوی بی‌هدف به عنوان الگو توسط هنرمندان، با نوع شخصیت و میزان خلاقیت آنها بررسی می‌شود. نمونه پژوهش شامل ۸۰ هنرمند در مقاطع تحصیلی کارشناسی، ارشد و دکترای دانشگاه هنر اصفهان و انجمن هنرمندان نقاش اصفهان بوده است که به صورت نمونه‌گیری تصادفی دردسترس، انتخاب شده‌اند. به افراد، یک قطعه سفید مقاوی با فرمی بی‌هدف و یکسان داده شده و از آنان خواسته شد تصویر تداعی شده در ذهن خود را روی آن ترسیم کنند. سپس، به سوالات یک پرسش‌نامه محقق‌ساخته به همراه آزمون شخصیت بزرگسال آیزنگ و آزمون خلاقیت عابدی پاسخ دهند. این پژوهش، از نوع کمی با روش همبستگی (رابطه‌ای) است که داده‌های آن با روش‌های آماری-توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. نتایج به دست‌آمده حاکی از آن است که بین ابعاد شخصیتی و خلاقیت افراد با تداعی تصویری رابطه معنی‌داری وجود دارد. بدین‌گونه که افراد دارای خلاقیت بالا از حساسیت‌های شخصیتی بیشتری برخوردار بوده و نسبت به افرادی با خلاقیت کمتر برون‌گرایی هستند. همچنین نتایج نشان داد که بین مسامین مختلف حاصل از تداعی‌های تصویری افراد از قطعه مقاوی فقط تجسم چهره کلاه‌به‌سر با فرم قطعه رابطه معنی‌داری دارد. به طوری که افراد خلاق‌تر، بیشتر تمایل داشتند. همچنین، افراد برون‌گرا بیشترین تعداد را بین آزمون‌گران داشتند. بیشترین تفاوت برون‌گرایها و درون‌گرایها در تداعی و ترسیم موضوع چهره کلاه‌به‌سر بود که تعداد برون‌گرایها بیشتر بود. بین احساس حرکت و تداعی‌های تصویری مختلف نیز رابطه معنی‌دار وجود داشته و احتمالاً ناشی حالت یا فرمی است که قطعه داشته است.

پس می‌توان گفت بین ابعاد شخصیتی (دون‌گرایی- دون‌گرایی) و خلاقیت با تداعی‌های تصویری بین هنرمندان، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

کلیدواژگان: خلاقیت، دون‌گرایی- برون‌گرایی، تداعی‌های تصویری، هنرمند.

* استادیار، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اصفهان.

p.darouei@auic.ac.ir

** دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان.

*** استادیار، دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

**** کارشناس ارشد اقتصاد هنر، دانشکده کارآفرینی و گردشگری، دانشگاه هنر اصفهان.



مقدمه

یکی از بازی‌های دوران کودکی که اکثر ما تجربه آن را داشته‌ایم، شکل‌سازی با فرم ابرها بود به طوری که تفسیر ذهنی ما از تکه‌ابری ثابت، با دوستمان متفاوت بود (تصویر ۱). این تفاوت قدرت تخیل به ویژگی‌های شخصیتی، خلاقیت و عوامل متعدد دیگری بازمی‌گردد که شاید منبع الهام برخی از روان‌شناسان برای طراحی برخی از آزمون‌های تصویری فرافکن شده باشد. ایده اینکه تفسیر یک شخص از اشکال مبهم، مبنایی برای ارزیابی شخصیت او قرار بگیرد، بحث جدیدی نیست. بین هنرمندان داوینچی^۱ و بوتیچلی^۲ قرن‌ها قبل، آن را پیشنهاد کرده بودند. به گونه‌ای که در قرن نوزدهم، یک بازی برهمنی‌اساس، همه‌گیر شده بود (مارنات، ۱۳۸۴: ۷۵۱).

بین نگارگران ایرانی استفاده از این روش برای بارور کردن تخیل بوده است. از جمله می‌توان به سلطان محمد در خلق چهره‌هایی از بین صخره‌های نقاشی شده به دست وی اشاره نمود. در سال ۱۸۹۵ آفرید بینه،^۳ روان‌سنج فرانسوی از لکه‌های نامشخص جوهر برای برانگیختن تخیل خلاق آزمودنی‌ها کمک می‌گرفته و سپس از طریق فراوانی پاسخ‌های آنها، مقایسه‌شان می‌کرده است. وی در آغاز، لکه‌جوهر نامشخصی را به آزمودنی می‌داده و از او می‌خواسته است هر چه بیشتر ادراکات خود را نام ببرد. به نظر بینه، فراوانی پاسخ‌ها در مدت زمانی معین غنای تخیل خلاق آزمودنی‌ها را نشان داده است. محققان دیگر نیز از لکه‌های جوهر برای هدف‌های تحقیقی متفاوت دیدگر استفاده کرده‌اند که می‌توان به معروف‌ترین این افراد، ویل^۴ آمریکایی اشاره نمود که در سال ۱۹۱۰ با ۲۰ عدد لکه‌جوهر ابداعی خود، تفاوت‌های فردی زمان عکس‌العمل گفتاری افراد را می‌سنجد. در روسیه، ریباکف^۵ ۸ عدد لکه‌جوهر ابداع کرد و مانند بینه تخیل افراد را سنجد. در سال ۱۹۱۶، بارلت^۶ انگلیسی رنگ‌ها را وارد لکه‌های جوهر کرد و کارت‌های رنگین به وجود آورد (بهرامی، ۱۳۸۳: ۴۲). تا بالآخره هرمان رورشاخ^۷ در سال ۱۹۲۱، ۱۰ کارت اولیه خود را با هدف سنجه ساختار شخصیتی منتشر کرد با تأکید خاص بر اینکه چگونه شخص مورد آزمون، تجارت خود را سازمان می‌دهد (سازمان دهی شناختی) و این تجارت ادراک شده برایش چه معنایی دارد: نوعی تصویرسازی ذهنی^۸ (weiner, 1994: 498-504). وی همچنین با دریافت و تفسیر پاسخ‌ها با روشهای تجربی آن را نمره‌گذاری کرد. پس از او بک^۹ و کلایپر،^{۱۰} این آزمون را با رویکردهای متفاوت به کار بستند (مارنات، ۱۳۸۴: ۷۵۲ و ۷۵۳).

از دیگر آزمون‌های فرافکن، اندریافت موضوع (TAT)^{۱۱} است که در سال ۱۹۳۰ هنری موری^{۱۲} آن را ساخت و واکنش کلامی آزمودنی را نسبت به تعدادی تصویر تجزیه و تحلیل

می‌کرد. هدف این آزمون، آشکارساختن مضامین اساسی در فرآوردهای تخیلی شخص است (همان: ۸۶۳).

آزمون‌های تداعی کلمات و تکمیل جملات نیز، از انواع دیگر این آزمون‌هاست. تا اینجا به آزمون‌های فرافکنی اشاره شد که تنها از طریق تداعی، تکمیل و تفسیر کردن به صورت کلامی انجام می‌شد. آزمون‌های دیگری از این نوع وجود دارد که با تصویر کردن انجام می‌شود. از جمله: آزمون نقاشی آدمک، خانه، خانواده و درخت و آزمون طرح‌های دیداری بیندر^{۱۳} (کریمی، ۱۳۸۷: ۲۷۶ و ۲۷۷).

برخی از خانواده‌های درمانگرها از کل اعضا می‌خواهند یک تصویر بزرگ از فعالیت‌های خودشان بکشند و سپس طراحی مزبور را به بحث می‌گذارند (تاد و بورهات، ۱۳۷۹: ۱۴۱ و ۱۴۲). اما آزمون فرافکنی که در این نوشتار از آن استفاده شد، تلفیقی از هر دو نوع بود: تداعی تصویر و سپس ترسیم تصویر ذهنی و تبدیل آن به تصویری عینی توسط هنرمندان تجسمی از یک الگوی ثابت مقواپی. بدین‌گونه‌که، قطعه جادویی^{۱۴} (تصویر ۳) تصورات، افکار، خاطرات و روابط درونی شخصی آزمودنی را بیرون می‌کشد و آن را با تجربه‌ها و برداشت‌های گذشته‌وی مرتب می‌سازد تا تداعی تصویری یا تصویرسازی ذهنی صورت گیرد.

سپس برای سازماندهی این ادراکات خلاقیت فردی و مهارت و تخصص هنری آزمودنی نیز دخیل می‌شود تا وی بتواند تصویرسازی ذهنی خود را عینی کند.

اگرچه آزمون تصویری قطعه جادویی مانند آزمون‌های فرافکن، عمده‌تاً بر نظریه روان‌تحلیلگری مبتنی است و به عنوان یک روش بیانی با رویکرد شهودی، استعاره‌ای، آزمایشی و تعاملی ابزار سودمندی برای سنجش جامعه هنری خواهد بود، اما به دلیل نبود روش تفسیر یا نمره‌گذاری مورد توافق و نیز نمره‌گذاری ذهنی،^{۱۵} آزمون‌های فرافکن که در نوع خود پایایی و اعتبار ضعیفی دارند؛ در این پژوهش به آزمون‌های تأییدشده پیشین استناد شد. همچنین، در کنار استفاده از قطعه جادویی، از پرسش‌نامه شخصیت و خلاقیت برای بررسی روابط بین تداعی تصویری (موضوع ترسیم شده) از قطعه جادویی^{۱۶} بین نوشتار، سعی بر آن بوده است این فرضیات به در درون‌گرایی- برون‌گرایی و میزان خلاقیت استفاده شد.

در این نوشتار، سعی بر آن بوده است این فرضیات به آزمون گذارده شود:

فرضیه اصلی: بین تداعی تصویری هنرمندان از قطعه مقواپی و میزان خلاقیت و درون‌گرایی- برون‌گرایی آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی: ۱. بین تداعی تصویری هنرمندان از قطعه مقواپی و میزان خلاقیت آنها رابطه وجود دارد. ۲. بین تداعی تصویری هنرمندان از قطعه مقواپی و میزان درون‌گرایی- برون‌گرایی آنها رابطه وجود دارد.



روش پژوهش

جامعه آماری در بردارنده ۸۰ نفر از دانشجویان و استادان هنرهاي تجسمی در مقاطع تحصیلی کارشناسی، ارشد و دکترای دانشگاه هنر اصفهان و انجمن هنرمندان نقاش اصفهان بودند که به روش تصادفی انتخاب شدند. آزمون تصویری شامل یک قطعه مقاوی بریده شده بی هدف یکسان بود که آزمودنی‌ها می‌توانستند در جهات مختلف آن را بچرخانند و برآساس نزدیک‌ترین تجسم خود، تصویری روی آن ترسیم کنند. در ضمن، به هر فرد تعدادی مداد رنگی داده شد به طوری که افراد در انتخاب رنگ و حتی به کارگیری ابزار شخصی آزاد بودند. آزمون‌های روان‌شناختی شامل پرسشنامه خلاقیت از عابدی^۱، پرسشنامه شخصیتی آیزنک^{۱۲} و یک پرسشنامه محقق‌ساخته برآساس قطعه مقاوی بود. آزمون خلاقیت عابدی برآساس تقسیم‌بندی چهار ویژگی خلاقیت تورنس^{۱۳} در چهار خرده آزمون: سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری^{۱۴} در محدوده‌ای نمره گذاری می‌شود که از خلاقیت بسیار کم تا بسیار زیاد را بر مقیاس لیکرتی دربرمی‌گیرد و شامل ۶۰ سؤال سه‌گزینه‌ای است. آزمون آیزنک نیز دارای ۵۶ سؤال با ۲ گزینه بله-خیر است و سه نمره به دست می‌دهد که برآساس آن می‌توان میزان درون‌گرایی و برون‌گرایی^{۱۵} و میزان حساسیت شخصی و تمایلات روان‌تنزندی را نمره گذاری کرد. پرسشنامه محقق‌ساخته دارای ۹ سؤال بوده که ترجیح آزمودنی‌ها در رنگ، احساس حرکت، اولین و دومین تجسم بصری و احساس خوشایندی آنها نسبت به الگو (قطعه مقاوی) را مشخص می‌کرد. آلفای کرونباخ آزمون محقق‌ساخته روی نمونه‌ای از هنرمندان برابر با ۰,۸۱ به دست آمد. آلفای کرونباخ در خرده آزمون‌های سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری آزمون خلاقیت عابدی به ترتیب ۰,۶۷، ۰,۴۸، ۰,۶۸ و ۰,۵۵ گزارش شده است (دائمی و مقیمی، ۱۳۸۳). ضریب پایایی آزمون شخصیتی آیزنک نیز معادل ۰,۸۳ گزارش گردیده است (اختیاری و همکاران، ۱۳۸۷). پژوهش حاضر، از نوع کمی با روش همبستگی است. داده‌ها با روش آماری-توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار spss تجزیه و تحلیل شدند.



تصویر ۲. نمونه‌ای از آزمون خلاقیت تصویر (نگارندگان)

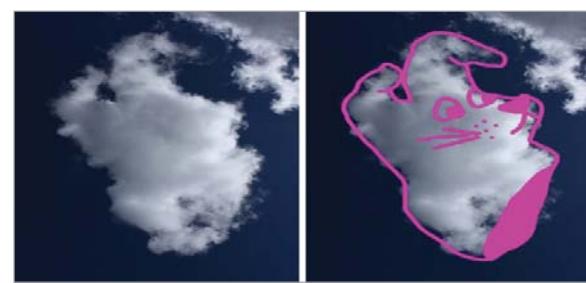
هدف اصلی: تبیین رابطه بین تداعی‌های تصویری با درون‌گرایی-برون‌گرایی و میزان خلاقیت بین هنرمندان.

هدف‌های فرعی: تبیین رابطه بین خلاقیت و تداعی‌های تصویری بین هنرمندان و تبیین رابطه بین درون‌گرایی-برون‌گرایی و تداعی‌های تصویری هنرمندان است.

پیشینه پژوهش

درباره پیشینه تحقیق باید گفت که نگارندگان پس از جستجو در منابع خارجی و داخلی مرتبط، پژوهشی درباره انجام چنین تستی پیدا نکردند. بخشی از دلایل آن، ناشی از این واقعیت است که این ایده برای نخستین بار به ذهن نگارندگان خطور کرده و به روش حاضر به آزمون گزارده شده است. اگرچه درباره تست رورشاخ (مرادی، ۱۳۸۴) و دیگر آزمون‌های فرافکن-حتی از نوع ترسیمی انجام شده- کمی مشابه تست حاضر بوده اما هیچ‌کدام به گونه‌ای ترسیمی روی یک فرم یکسان صورت نگرفته است؛ به جز در تست سنجهش خلاقیت تصویری تورنس (تصویر ۲) که تقریباً شبیه به تست حاضر با خطوط مواج و شکسته یکسان برای تکمیل تصویر و تبدیل آن به اشکال مختلف، میزان خلاقیت آزمودنی‌های را از کودک تا بزرگسال می‌سنجد (تورنس، ۹۳: ۱۳۹۲).

در مجموعه تست‌های تصویری نیز بخشی به دایره‌ها و تبدیل آنها به اشکال و ساختن ایده‌های جدید تعلق دارد و بخش دیگر مربوط به تکه کاغذی رنگی بهشكل منحنی است که از آزمودنی خواسته می‌شود آن را هر جا می‌خواهد، بچسباند و تبدیل به شکل دیگری کند (متقی، ۱۳۹۱). درباره پژوهش میان جامعه هنرمندان باید گفت، گاه تنها با رویکردهای روان‌کاوانه به تحلیل آثار خاصی پرداخته شده است (صنعتی، ۱۳۸۹). درخصوص تفاوت ویژگی‌های شخصیتی هنرمندان و افراد عادی (اقایی و همکاران، ۱۳۸۲) و نیز رابطه بین میزان خلاقیت و نایهنجاری (محمدی، ۱۳۷۹)، پژوهش‌هایی انجام شده است که بهدلیل خلاط موجود در پژوهش‌هایی در زمینه به آزمون گذاردن اثر هنرمندان و تطبیق‌شان با میزان خلاقیت و نوع شخصیت آنها به صورت آزمون‌های استاندارد، ضرورت تحقیقاتی تصویری از این دست، احساس می‌شود.



تصویر ۱. بازی با لکه‌های ابر (نگارندگان)



یافته‌ها

الف. توصیف آزمون تصویری

در این بخش که صرفاً خود تصاویر ترسیم شده بر قطعه جادویی توصیف می‌شود، سعی شده با الهام از معیارهایی که رورشاخ برای تست لکه‌های جوهر برای نمره‌گذاری استفاده کرده بود، به تحلیل پرداخته شود.

وی از سه معیار: محتوا^{۱۰} (نوع و مقدار اشیای خاص تداعی شده)، تعیین کننده‌ها^{۱۱} (شکل، رنگ یا بافتی که باعث تداعی شده) و محل ادراک^{۱۲} (مکان یا فضایی از لکه‌جوهر که باعث تداعی تصویر یا پاسخ شده است)، استفاده کرد (مارنات، ۷۷۲-۷۸۱: ۱۳۸۴). رورشاخ به طور مشابه در بخش محتوا به موضوع تصاویر و نوع برخورد آزمودنی‌ها اشاره می‌نماید و در دو بخش بعدی، به جهتی که تصویر بر آن قطعه نقش می‌شود. همچنین، اشاره می‌کند قطعه جادویی کارشده شکل کامل تصویر را در بردارد یا بخشی از آن را. در بخش محتوا باید گفت که برخورد آزمودنی‌ها (هنرمندان) با این قطعه متفاوت بود.

بعضی در همان اولین برخورد، تصویری در ذهن آنها شکل می‌گرفت و با مددست‌ترین ابزار شروع به ترسیم آن می‌کردند. بعضی دیگر با حرکت‌دادن، چرخاندن و پشت‌وروکردن قطعه به فکر فرمومی‌رفتند و سپس ترسیم را آغاز می‌کردند. افراد دیگری نیز تداعی‌های متنوعی در آن واحد به ذهن‌شان متصور می‌شد به طوری که، قدرت انتخاب را از آنان می‌گرفت و پشت آن قطعه مقوایی را هم نقش می‌کردند (تصویرهای ۶-۴) یا حتی، تعداد بیشتری از آن قطعه جادویی را می‌خواستند. بیشتر افراد در نگاه اول چهره کلاه‌به‌سر را می‌دیدند اما برخی به برداشت و تداعی نخستین قانع نبوده و تداعی‌های بعدی را انتخاب می‌کردند. اگرچه هم‌گروه‌ها در شیوه ترسیم تفاوت‌هایی از لحاظ ساختاری با یکدیگر داشتند اما با بررسی موضوعات متنوع کارشده و هم‌گروه‌کردن موضوعات متفاوت، ۱۰ گروه متنوع با موضوعات تقریباً پیکسان بدست آمد (جدول ۳). همان‌طور که گفته شد، آزمودنی‌ها یا از همان ابتدای پس از چرخاندن قطعه درجهٔ تداعی خاصی تصویر تداعی‌شده را ترسیم می‌کردند. به عبارتی، پاسخ آزمودنی گاه به‌شكل عمودی قطعه،

جدول ۱. مقایسه خلاقیت و شخصیت هنرمندان

گروه	خلاصهٔ خلاقیت بالا	خلاصهٔ خلاقیت پائین
نمره برون‌گرایی (E)	۱۳.۱۵	۷.۲۵
نمره روان‌نژندی (N)	۱۰.۵	۵.۷۵
(C) نمره خلاقیت (C) نگارندگان	۹.۸	۶.۲

(نگارندگان)

افقی یا وارونی جانبی آن بود. با بررسی کل ۸۰ قطعه، دیده می‌شود که استفاده از جهت عمودی فرم برای ارائه پاسخ بیشتر از جهت افقی آن بود. همچنین بیشترین تداعی آنها از موجودات جاندار بود تا بی‌جان؛ جز مواردی چون کفش، هوایپیما و دو موضوع انتزاعی. در مواردی نیز نمونه‌هایی شبیه به هم از لحاظ محتوا و ساختار از افراد ناآشنا بایکدیگر به دست آمد (تصویر ۷). اگرچه با موضوعی یکسان چون پرنده نیز در همه وجوه قطعه در آثار افراد مختلف نمونه‌هایی متفاوت یافت شد (تصویر ۸). عامل دیگری که باعث تنوع تصویری در پاسخ تصویری است تداعی شده بود، مربوط به مسئله وفاداری به فرم بود. غیر از آزمودنی‌ها بود، مربوط به مسئله وفاداری به فرم بود. غیر از فردی که خارج از آن فرم اما با الهام از آن بر کاغذ دیگری نقش آفرینی کرد، بقیه بر خود قطعه کار کردند. با این تفاوت که در بعضی قطعه‌های کارشده تصویر کامل در فرم جا داده شده و در برخی دیگر، بخشی از تصویر در قالب فرم قطعه ترسیم نشده بود (تصویر ۹).

ب. توصیف داده‌های آماری

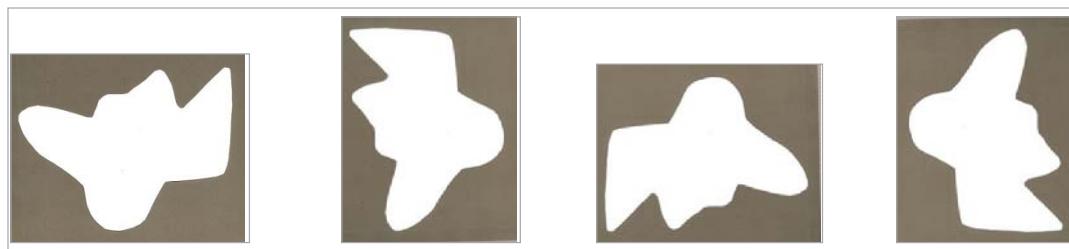
ابتدا براساس نمره آزمودنی‌ها در تست خلاقیت عابدی، افراد دارای خلاقیت زیاد و بسیار زیاد از سایرین جدا شدند. بدین ترتیب، دو گروه: خلاقیت بالا ($N=20$) و خلاقیت پائین ($N=60$) شکل گرفتند (جدول ۱).

براین اساس، روشن می‌شود که در گروه خلاقیت بالا هر سه شاخص برون‌گرایی (E)، گرایش به روان‌نژندی (N) دارند و خلاقیت (C) بالاتر از گروه خلاقیت پائین است. به عبارت دیگر، افرادی که نمره خلاقیت بالاتری داشته‌اند با وجود آن که چهارم کل آزمودنی‌ها را شامل شده‌اند میانگین نمره خلاقیت، برون‌گرایی و نیز گرایش به روان‌نژندی آنها بالاتر است.

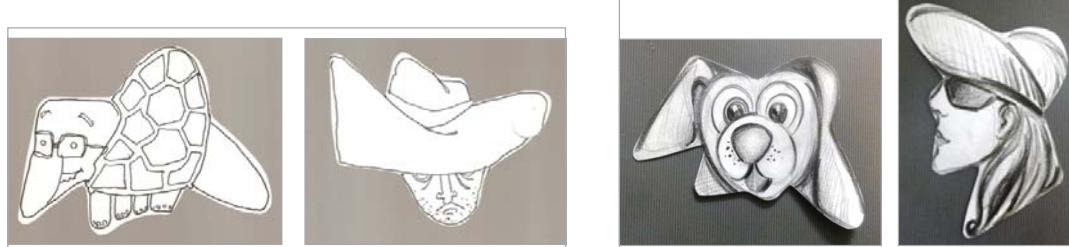
در بررسی محتوایی قطعه جادویی ترسیم شده آزمودنی‌ها، این نکته به دست آمد که در مجموع، تمایل به ترسیم چهره کلاه‌به‌سر بیشتر از موضوعات دیگر بوده است. رابطه این تداعی‌ها با میزان خلاقیت و درون‌گرایی - برون‌گرایی، در بخش استنباطی تحلیل داده‌ها نیز بررسی خواهد شد.

مطلوب جدول ۲، نشان‌دهندهٔ فراوانی و درصد افرادی است که با استفاده از قطعه جادویی به ترسیم مضامین مختلف پرداخته‌اند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، بیش از ۳۶ درصد از آزمودنی‌ها با دیدن قطعه جادویی، چهره کلاه‌به‌سر را ترسیم کرده‌اند. در حالی که ترسیم سایر مضامین در عین تفاوت داشتن از منظر فراوانی، با اختلاف زیادی از آن (تداعی چهره کلاه‌به‌سر) قرار گرفته‌اند.

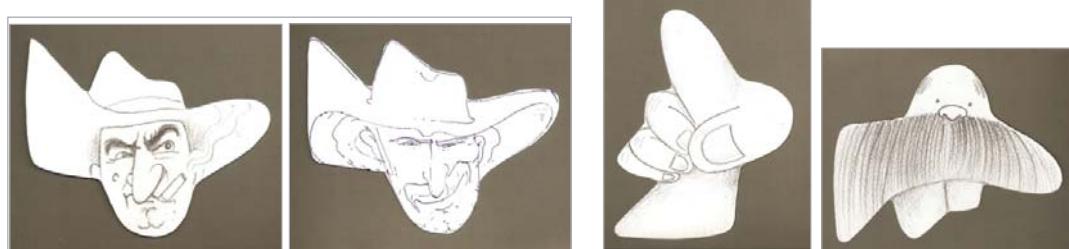
مطلوب جدول ۳ که براساس بررسی و تحلیل پرسش‌نامه محقق‌ساخته به دست آمد، توزیع فراوانی مربوط به نخستین



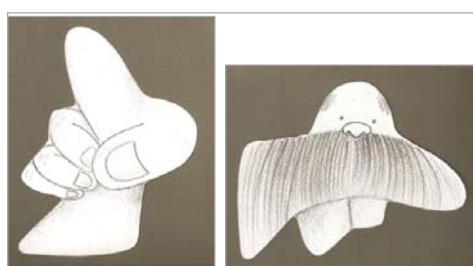
تصویر ۳. قطعه جادویی از زوایای مختلف (نگارندگان)



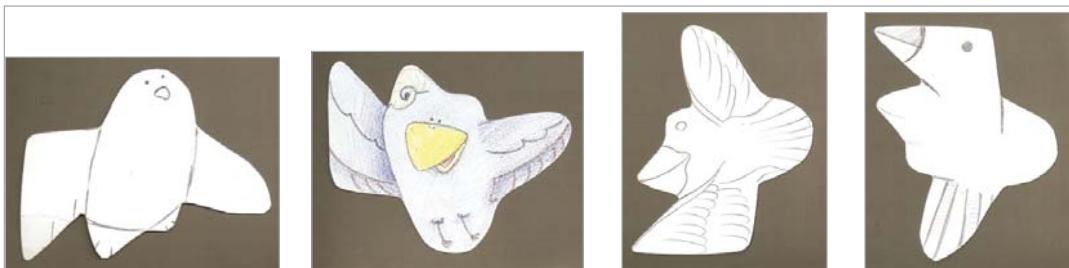
تصویر ۴. پشتورو را یک نفر با موضوعات متفاوت انجام داده است (نگارندگان)



تصویر ۵. محتواهای یکسان در یک جهت از دو آزمون‌گر مختلف (نگارندگان)



تصویر ۶. پشتورو را یک نفر با موضوعات متفاوت انجام داده است (نگارندگان)



تصویر ۷. محتواهای یکسان در چهار جهت مختلف (نگارندگان)



تصویر ۸. در دو تصویر سمت راست وفاداری کمتری نسبت به فرم در مقایسه با سمت چپ دیده می‌شود (نگارندگان)



بحث

پژوهش حاضر، با هدف بررسی ارتباط و جستجوی نوع رابطه بین تداعی‌های تصویری با وجه درون‌گرایی-برون‌گرایی شخصیتی و میزان خلاقیت روی جامعه هنرمندان تجسسی، بهدلیل توانایی و مهارت آنها در ترسیم (عینی کردن) تصویرسازی ذهنی انجام شد. درابتدا دیده شد که افرادی خلاق‌تر، بروندگراتر و با حساسیت‌های شخصیتی بیشتری گزارش شدند. سپس از بررسی‌های محتوایی و آماری درباره برخوردهای متعدد هنری آزمون‌گران با این قطعه جادویی و نیز نتایج دو آزمون هنرجارشده خلاقیت و شخصیت و همچنین پرسش‌نامه محقق‌ساخته، نتیجه نهایی حاکی از آن بود که تداعی تصویری با موضوع چهره کلاه‌بهسر از بقیه موضوع‌های کارشده بیشتر بود. به طوری که افرادی با خلاقیت پائین نسبت به افراد خلاق‌تر بیشترین تداعی آنها همین موضوع چهره کلاه‌بهسر بود که نشانگر دید یکسان و مشابه است و شاید دلیلی بر وجود شباهت این موضوع با فرم قطعه جادویی در اولین برخورد و تداعی نخستین و نمایانگر ابتکار کمتر در خلق و ترسیم این موضوع باشد. از آنجایی که ابتکار یکی از ۴ عامل خلاقیت (از دیدگاه تورنس) است، می‌توان گفت افراد کمتر خلاق به اولین تداعی اکتفا کردند. در مقابل، افراد با خلاقیت بالا بیشترین تداعی تصویری آنها موضوعات متفرقه نسبت به آزمون‌گرانی با خلاقیت پائین بود. چون موضوعات متفرقه، تداعی‌هایی بودن که بهدلیل تنوع، گوناگونی و تفاوت با یکدیگر در یک گروه خاص قرار نمی‌گرفتند، نشانگر ابتکار یعنی استعداد تولید ایده‌های نو و غیرمعمول و درنتیجه خلاقیت بالا بود. از طرفی، بیشتر آزمون‌گران بهدلیل زمینه کار هنری و بروندی احساسات و عواطف بنابر ضرورت کار و حرفة آنان، طبق آمار نزدیک به دو سوم بروندگراتر گزارش شدند. در این بین، افراد بروندگراتر دارای بیشترین تداعی چهره کلاه‌بهسر نسبت به افراد درون‌گرا بوده‌اند که شاید بهدلیل بیشترین فراوانی این موضوع نسبت به دیگر موضوعات و نیز نسبت بیشتر افراد بروندگران نسبت به درون‌گرا در این نمونه آماری از جامعه هنرمندان تجسسی اصفهان باشد. همچنین، فرم این قطعه برای اکثریت حسی از حرکت رالقا می‌کرد. از آنجاکه فرم مقوایی بی‌هدف برای همه آزمون‌گران یکسان بوده، برخوردها و تداعی‌های آنها متفاوت بود. شاید بتوان در آینده‌ای نزدیک، با توجه به عوامل تأثیرگذار (مداخله‌گرهای درونی و بیرونی فرد) بر این گوناگونی و تنوع طراحی‌های ترسیم شده بر قطعه، به تفاوت‌های فردی اعم از نوع درون‌گرایی و بروندگرایی شخصیتی و میزان خلاقیت آنان بهطور مستقل از روی تصویر رسم شده بر این قطعه جادویی در پژوهش‌های گسترده‌تر بین جامعه هنرمندان تجسسی پی‌برد.

تصویر، ترجیح رنگ و احساس حرکت آزمودنی‌ها را در برخورد با قطعه جادویی نشان می‌دهد.

با بررسی مطالب جدول ۳، می‌توان دریافت که در این تست تصویری (قطعه جادویی)، بیشتر آزمودنی‌ها در همه طبقات موضوعی ذکر شده، نوعی تجسم حرکت را در این قطعه تصویر کرده‌اند. به عبارت دیگر، ذات فرمی این قطعه به گونه‌ای است که فارغ از مقوله پاسخ یعنی اینکه آزمودنی روح، کفش، کلاه یا هرچیز دیگر که در آن دیده است، همراه با آن تجسمی از حرکت و عموماً روبه بالا یا روبه جلو است. این موضوع، می‌تواند تاحدی ناشی از القای این احساس به واسطه شکل خاص قطعه باشد. گذشته از این، مضمون چهره انسان چه نیمرخ و چه تمام‌رخ، به عنوان نخستین تصویر تداعی شده در ذهن آزمودنی‌ها به چشم می‌خورد.

ج. تحلیل استنباطی داده‌ها

همبستگی بین خلاقیت و نمره بالا در مقیاس‌های بروندگرایی و گرایش به روان‌نزنی از نظر آماری، معنی دار بوده است. به عبارت دیگر، افراد دارای خلاقیت بالا از حساسیت‌های شخصیتی بیشتری برخوردار بوده و نسبت به افرادی با خلاقیت پائین، بروندگر اترهستند (جدول ۴).

اگرچه میزان خلاقیت براساس مقیاس لیکرتی است (۱۲۰-۱۰۰ بسیار بالا، ۸۵-۹۹ بالا، ۷۵-۸۴ متوسط، ۵۰-۷۴ کم و ۴۹-۰ بسیار کم) اما در اینجا با نقطه برش را ۸۰ فرض کنیم، افراد بالای این نمره تحت عنوان خلاقیت بالا و افراد پائین تراز آن با خلاقیت پائین دسته‌بندی می‌شوند که ۳۹ نفر در گروه خلاقیت بالا و ۴۱ نفر در گروه خلاقیت پائین، قرار می‌گیرند. طبق جدول، چشمگیرترین تفاوت موضوعات یا تداعی‌های تصویری از این قطعه جادویی به موضوع چهره کلاه‌بهسر با تفاضل ۵ و موضوعات متفرقه با تفاضل ۷ اختصاص دارد. پس می‌توان گفت در این آزمون، افرادی با خلاقیت بالا بیشترین تداعی آنها تصاویری متفرقه و متفاوت بوده است و افرادی با خلاقیت پائین تراز، بیشتر تصاویری با موضوع چهره کلاه‌بهسر را تداعی و سپس ترسیم کرده‌اند (جدول ۵).

همان‌طور که در جدول مذکور دیده می‌شود، با نقطه برش ۱۰، افراد درون‌گرا و بروندگرا تفکیک شدند. در این نمونه آماری، هنرمندان تجسسی بیشتر از نصف آزمون‌گران بروندگرا هستند که بیشترین اختلاف مربوط به موضوع چهره کلاه‌بهسر است. بدین ترتیب افرادی که این تداعی تصویری را داشته‌اند، بروندگر اتر هستند.

همچنین براساس مجدور خی^{۴۴} به دست آمده، رابطه احساس حرکت با مضامین ذکر شده از نظر آماری معنی دار و نشانگر حالت یا فرمی است که قطعه داشته است.



جدول ۲. فراوانی و درصد موضوعات ترسیم شده در قطعه مقواطی

موضوع	چهره مرد بزرگ	چهره مرد کلاه به سر	پرنده	هوایپیما	روح	زن موبسته	مادر و کودک	شخصیت های کارتونی	کفش	متفرقه	جمع
نمونه تصویری											
تعداد	۴	۲۹	۷	۳	۵	۳	۳	۵	۳	۳	۸۰
درصد	۵	۳۶.۳	۸.۸	۳.۸	۶.۳	۳.۸	۳.۸	۴	۳.۸	۳.۸	۱۰۰

(نگارنده‌گان)

جدول ۳. مقایسه نخستین تصویر تداعی شده؛ ترجیح رنگ و نوع حرکت آزمودنی از قطعه جادوی

موضوع	نخستین تصویر تداعی شده	ترجیح رنگ	القای نوع حرکت
چهره مرد با بینی بزرگ	آدم فضایی، آدم بی حال، فیگور	آبی، بنفس، صورتی	حرکت آرام
چهره کلاه به سر	آم، نیمرخ آدم، چهره مرد با کلاه، نیم تنه	آبی، زرد، سفید، نارنجی	رقص، پرواز، حرکت به جلو
پرنده	پرنده، چهره کلاه به سر، خفاش، گل	آبی، قهوه‌ای، نارنجی، سفید	پرواز، حرکت رو به بالا
هوایپیما	پرنده، هوایپیما، اسباب بازی	آبی، زرد، سفید	حرکت آرام هوایپیما، حرکت رو به بالا
روح	زن، چهره انسان، روح	نارنجی، سفید	سکون (ی حركتی)، پرواز
چهره زن موبسته	عقاب در حال پرواز، موز بازشده	زرد، سیاه و سفید	پرواز پرنده، حرکت منحنی
مادر و کودک	سایه هوایپیما، مادر و کودک، فیگور انسان	سرخابی، بنفس، سیاه و سفید	حرکت فیگور، اوج گیری هوایپیما
شخصیت‌های کارتونی	فیگور، چهره انسان، تصویر انتزاعی	خاکستری، قرمز، آبی، سفید	افتادن، باد، معلق بودن
کفش	چکمه، پوتین، کفش	خاکستری	حرکت دورانی، راه رفت
متفرقه	آدم، چهره انسان	آبی، سیاه و سفید	حرکت منحنی

(نگارنده‌گان)

جدول ۴. مقایسه میزان خلاقیت با تداعی‌های تصویری

موضوع	چهره مرد کلاه به سر	چهره مرد بزرگ	پرنده	هوایپیما	روح	زن موبسته	مادر و کودک	شخصیت های کارتونی	کفش	متفرقه	جمع
خلاقیت بالا	۱۲	۱	۳	۲	۳	۲	۲	۲	۰	۱۳	۳۹
خلاقیت پائین	۱۷	۳	۴	۱	۲	۱	۱	۳	۳	۶	۴۱
جمع کل موضوعات	۲۹	۴	۷	۳	۵	۳	۳	۵	۳	۱۸	۸۰

(نگارنده‌گان)

جدول ۵. مقایسه درون گرایی - برون گرایی با تداعی‌های تصویری

موضوع	چهره مرد کلاه به سر	چهره مرد بزرگ	پرنده	هوایپیما	روح	زن موبسته	مادر و کودک	شخصیت های کارتونی	کفش	متفرقه	جمع
برون گرایی	۱۸	۳	۴	۲	۳	۲	۲	۴	۲	۹	۵۱
درون گرایی	۱۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۳	۳	۹	۲۹
جمع کل موضوعات	۲۹	۴	۷	۳	۵	۳	۳	۵	۳	۱۸	۸۰

(نگارنده‌گان)



در بررسی یافته‌های این پژوهش، نتایجی بدین شرح به دست آمد:

بین ابعاد شخصیتی و خلاقیت افراد با تداعی تصویری رابطه معنی داری وجود دارد. افراد دارای خلاقیت بالا از حساسیت های شخصیتی بیشتری برخوردار بوده و نسبت به افراد کمتر خلاق، برون گراتر هستند. بیشترین تداعی تصویری هنرمندان با میزان خلاقیت پائین تر چهره کلاه به سر بود و افراد خلاق تر به ترسیم موضوعات متفرقه بیشتر تمایل داشتند. از آنجاکه خلاقیت بالا با برون گرایی و روان ترندی رابطه معنی داری دارد، می توان گفت بین ابعاد شخصیتی و خلاقیت با تداعی های تصویری میان هنرمندان رابطه معنی داری وجود دارد. افراد با برون گرایی شخصیتی بین آزمون گران بیشتر از افراد درون گرا بود و تفاوت برون گرایی با درون گرایی در موضوع چهره کلاه به سر بود که افراد برون گرا در ترسیم آن سهم بیشتری داشتند. همچنین، نتایج نشان داد که بین مضماین مختلف حاصل از تداعی های تصویری افراد از قطعه مقوا یی فقط تجسم چهره کلاه به سر با فرم قطعه رابطه معنی داری دارد و بین احساس حرکت و تداعی های تصویری مختلف نیز رابطه معنی دار وجود داشته است. این رابطه احتمالاً ناشی از حالت یا فرمی است که قطعه داشته و این حرکت، اغلب رو به بالا یا جلو تجسم شده است.

محدودت‌ها

- جامعه این پژوهش به دانشجویان و اعضای هیأت علمی دانشگاه هنر اصفهان و جمیع از اعضای انجمن هنرمندان نقاش اصفهان محدود بوده و بنابراین، نتایج را نمی‌توان به سایر هنرمندان تعمیم داد.
 - به دلیل وقت کمی که افراد شرکت کننده در پژوهش داشتند، امکان استفاده از سایر پرسش‌نامه‌ها برای پژوهشگر مسیر نبوده است.

پیشنهادها

- در پژوهش‌های آتی از سایر آزمون‌های شخصیتی و آزمون تخیل نیز استفاده شود.
 - پژوهش حاضر روی دیگر گروه‌های هنرمندان و دانشجویان هنر و همچنین کودکان انجام شود.
 - در پژوهش‌های آتی درباره عوامل تأثیرگذار بر تداعی تصویری و علل تنوع آن تداعی‌ها بین هنرمندان بررسی‌هایی انجام شهد.

سالہ ۱۹۵۰ء

از دانشجویان و استادان دانشگاه هنر اصفهان و اعضای انجمن هنرمندان نقاش اصفهان که با اختصاص دادن وقت ارزشمند خود برای انجام این آزمون‌ها پیوهشگر را در انجام این کار باری رسانده‌اند، سپسیان گزاری می‌شود.

ی نوشت

1. Davinci
 2. Botticelli
 3. Binet
 4. Whipple
 5. Rybakov
 6. Burlet
 7. Hermann Rorschach
 8. Thematic Imagery
 9. Beck



10. Klopfer
11. Thematic Apperception Test
12. Henry Murray
13. Bender
۱۴. در زمان رورشاخ نیز بهدلیل فربیندگی و رمزگونه بودن این آزمون، به آن لقب اشعه X ذهن می دادند که این به افزایش قدرت و سحرآمیز بودن آن کمک کرده است (مارنات، ۱۳۸۴: ۷۶۲). در اینجا هم بهدلیل اینکه از یک الگوی یکسان به تعداد جامعه آماری تنوع تداعی تصویر و ترسیم تصویر وجود دارد، لقب قطعه جادویی داده شده است.
۱۵. از این جهت گفته می شود که تفسیرها در این نوع تست، ذهنی است که ذهنیت تفسیر دوباره می شود. زیرا نه تنها مراجع بخشی از شخصیت خود را به تصویر فرافکنی می کند بلکه تفسیر کننده هم ممکن است بخشی از شخصیت خود را در تفسیرهایش فرافکنی کند (مارنات، ۱۳۸۴: ۹۴۴).
۱۶. برای آگاهی بیشتر نگاه شود به:
- عابدی، جمال (۱۳۷۲). خلاقیت و شیوه‌ای نو در اندازه‌گیری آن، پژوهش‌های روان‌شنختی. (۱ و ۲)، ۴۶-۵۴.
17. Eysenck Personality Inventory
18. Torrance Creativity Test
۱۹. سیالی: استعداد تولید ایده‌های فراوان؛ بسط: استعداد توجه به جزئیات؛ ابتکار: استعداد تولید ایده‌های نو و غیرمعمول و انعطاف‌پذیری: استعداد تولید ایده‌ها یا روش‌های بسیار گوناگون را می‌سجد (عبادی، ۱۳۷۲: ۲).
۲۰. بهعلت تفاوت بین عقیده رایج و معنی موردنظر از برون گرایی و درون گرایی، به توضیحاتی اشاره می‌شود: طبق نظر کارل گوستاو یونگ (Carl Gustav Jung) افراد برون گرا، نظری عینی و غیرشخصی درباره دنیا دارند و درون گراها اصولاً به صورت ذهنی یا فردی مسائل را درنظر می‌گیرند. اما باعتقاد آیزنک، افراد برون گرا با صفات معاشرتی و تکانش گری مشخص می‌شوند و درون گراها با صفات مخالف برون گراها (آرام، نافعال، باحتیاط، صلح‌جو و مقید) مشخص می‌شوند (فیست، ۱۳۸۳: ۴۷۳). براساس چهار مزاج جالینوس مزاج‌های صفرایی و دموی نزدیک به برون گرایی هستند و سوداوى و بلغمى‌ها و يىشگى‌هاي مشترکي مطابق با خصوصيات درون گرایي دارند (كريمي، ۱۳۸۷: ۱۳۸).
21. Content
22. Determinants
23. Location
۲۴. آزمون خی دو (کی دو یا مریع کای)، از آزمون‌های آماری و از نوع ناپارامتری است که برای ارزیابی هم‌قوارگی متغیرهای اسمی به کار می‌رود.

منابع و مأخذ

- آقایی، اصغر؛ ملک‌پور، مختار و جلالوند، لادن (۱۳۸۲). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی هنرمندان با افراد عادی، دانش و پژوهش در روان‌شناسی. (۱۸)، ۴۱-۶۴.
- اختیاری، حامد؛ صفائی، هومن؛ اسماعیلی جاوید، غلامرضا؛ عاطف وحید، محمد‌کاظم؛ عدالتی، هانیه و مکری، آذرخش (۱۳۸۷). روایی و پایایی نسخه‌های فارسی پرسشنامه‌های آیزنک، بارت، دیکمن و زاکرمن در تعیین رفتارهای مخاطره‌جویانه و تکانشگری، روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران. سال چهاردهم، (۳)، ۳۲۶-۳۳۶.
- بهرامی، هادی (۱۳۸۳). آزمون‌های فرافکنی شخصیت. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- تاد، جودیت و بوهارت، آرتور سی (۱۳۷۹). اصول روان‌شناسی بالینی و مشاوره. ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: رسا.
- تورنس، ئی. پال (۱۳۹۲). خلاقیت. ترجمه حسن قاسم‌زاده، چاپ پنجم، تهران: دنیای نو.
- دادستان، پریخ و منصور، محمود (۱۳۷۶). روان‌شناسی بالینی. تهران: بعثت.
- دائمی، حمیدرضا و مقیمی، فاطمه (۱۳۸۳). هنجاریابی آزمون خلاقیت، تازه‌های علوم‌شناختی. سال ششم، (۳)، ۱-۸.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۳). تغییر رفتار و رفتار درمانی نظریه‌ها و روش‌ها. تهران: دانا.
- صنعتی، محمد (۱۳۸۹). تحلیل‌های روان‌شناختی در هنر و ادبیات. تهران: مرکز.
- عابدی، جمال (۱۳۷۲). خلاقیت و شیوه‌ای نو در اندازه‌گیری آن، پژوهش‌های روان‌شناختی. (۱ و ۲)، ۴۶-۵۴.
- فیست، جس و فیست، گریگوری جی (۱۳۸۷). نظریه‌های شخصیت. ترجمه سیدیحیی محمدی، تهران: روان.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۷). روان‌شناسی شخصیت. چاپ دوازدهم، تهران: ویرایش.



- مارنات، گری گرات (۱۳۸۴). راهنمای سنجش روانی. ترجمه حسن پاشاشریفی و محمدرضا نیکخو، تهران: سخن.
- مای لی، ربرتو. (۱۳۸۱). ساخت پدیدآیی و تحول شخصیت. ترجمه محمود منصور، تهران: دانشگاه تهران.
- متقی، مریم (۱۳۹۱). تست خلاقیت تورنس (تصویری)، <http://mottaghi1386.blogfa.com/post-31.aspx> (باریابی شده در تاریخ: ۹۲/۴/۲۹).
- محمودی، غلامرضا (۱۳۷۹). بررسی رابطه خلاقیت هنری و رفتار نابهنجار، دانش و پژوهش در روان‌شناسی. (۶، ۴۳، ۵۹).
- مرادی، جلال (۱۳۸۴). بررسی پاسخ‌های عمومی تست رورشاخ (پاسخ‌های p) در سطح دانشگاه اصفهان مقطع سنبی بزرگسالان. پایان‌نامه کارشناسی روان‌شناسی عمومی، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- Bruce, V.; Green, R. & Georgeson, M. (2010). **Visual Perception: Physiology, Psychology and Ecology**. New York: Psychology Press.
- Croucher, C. J.; Bertamini, M. & Hecht, H. (2002). Naive Optics: Understanding the Geometry of Mirror Reflections. **Journal of Experimental Psychology: Human Perception and Performance**, 28: 546-62.
- Dolev, J. C.; Friedlaender, L. K. & Braverman, I. M. (2001). Use of Fine Art to Enhance Visual Diagnostic Skills. **Journal of American Medical Association**, 286: 347-68.
- Lanyon, R. I. & Goodstein, L. D. (1997). **Personality Assessment** (3rd Ed.). New York: Wiley.
- Meloy, J. R. & Gacono, C. B. (1992). The Aggression Response and the Rorschach. **Journal of Clinical Psychology**, 48: 105-114.
- Rogowitz, R. E. & Voss, R. F. (1990). Shape Perception and Low Dimension Fractal Boundary Contours, **Proceedings of the Conference on Human Vision: Methods, Models and Applications**, S.P.I.E., 1249, 387-394.
- Santella, A. (2005). The Art of Seeing: Visual Perception in Design and Evaluation of Non-Photorealistic Rendering. PhD Dissertation: The State University of New Jersey.
- Weiner, I. B. (1994). The Rorschach Inkblot Method (RIM) Is not a Test: Implications for Theory & Practice. **Journal of Personality Assessment**, 62, 498-504.
- Wood, J. M. & Lilienfeld, S. O. (1999). The Rorschach Inkblot Test: A Case of Overstatement?, **Assessment**, 6: 341-349.
- Young, G. R.; Wagner, E. E. & Finn, R. F. (1994). A Comparison of Three Rorschach Diagnostic Systems and Use of the Hand Test for Detecting Multiple Personality Disorder in Outpatients. **Journal of Personality Assessment**, 62: 485-497.



The Relation between Visual Associations of a Random Fixed Cardboard Piece and Introversion-Extroversion as well as the Level of Creativity in a Group of Visual Artists

Afsaneh Nazeri* Parisa Darouei** Karim Asgari*** Saleh Ghaei****

Abstract

The mental visual association of a vague and shapeless form may happen for anybody but only an artist can make an objective form out of it through drawing. This article studies the relationship between the visual associations of a random cardboard piece as the pattern drawn by the artists and the type of their personality as well as the level of their creativity. The samples consist of 80 artists in different educational levels including BA, MA and PhD in the Art University of Isfahan and Isfahan Painters Association that were selected by convenience sampling. A white piece of cardboard with an identical random form was given to samples on which they were asked to draw their visual association. Then, they were asked to answer a questionnaire made by the researcher along with Eysenck personality test and Torrance creativity test. This research is a quantitative study using correlation method and its data was analyzed drawing on descriptive-statistical and deductive techniques as well as SPSS software. The results of this study show that there is a significant relation between the type of personality, creativity and visual association; that is, the samples with higher level of creativity had higher personal sensitivity and were more extrovert relative to lower-creativity samples. The results also show that among various themes acquired from visual association of the cardboard piece only the association of "the man in hat" has a significant relation with the form of the piece so that the samples with higher level of creativity drew different themes whereas samples with lower level of creativity tended more to draw "the man in hat" theme. Moreover, amongst the samples, extrovert persons outnumbered other groups. The most prominent difference between extroverts and introverts lies in the association and drawing of "the man in hat" theme in which extroverts outnumbered other groups. There is also a significant relationship between the feeling of motion and various visual associations which may be due to the state or form of the piece.

Hence, it could be suggested that there is a significant relation between the type of personality (introversion or extroversion), creativity and visual association among visual artists.

Keywords: creativity, extroversion-introversion, visual associations, artist.

* Assistant Professor, School of Visual Arts, Art University of Isfahan

** PhD Candidate, Art University of Isfahan

*** Assistant Professor, School of Psychology and Educational Sciences, University of Isfahan

**** MA, School of Cultural Entrepreneurship and Tourism, Art university of Isfahan